

جان بخشی با «نفس»

درباره پویشی مردمی که از مشهد آغاز شد و به کشور تسری یافت و برای نجات جان جنین‌ها تلاش می‌کند



نگاهی به آمار انصراف از سقط با پیگیری‌های گروه «نفس»

	۳۰۰ نوزاد		۱۰۴۱ نوزاد
متولدشده در مشهد در سال ۱۴۰۰		متولدشده در استان در سال ۱۴۰۲	
	۷۲۷ نوزاد		۲۵۰ نوزاد
متولدشده در استان در سال ۱۴۰۱		متولدشده در استان در نیمه نخست امسال	

استدلال زوجین برای سقط جنین

جمعیت، واژه‌ای است که بسیاری از بخش‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی یک کشور را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. برخی براین باورند که افزایش و کاهش آن، ارتباط تنگاتنگی با معیشت، اقتصاد، امنیت و آینده یک جامعه دارد. سیاست طرح و تبلیغ شهری و تبلیغات معابر عمومی نشست. داشتن زندگی بهتر آرزوی هر زوجی است و اینکه خانواده‌های جوان برای رفاه بهتر و به اصطلاح خودشان، زندگی آرام‌تر، به فرزند کمتر بسنده کردند. نتیجه‌ای باورنکردنی داشت؛ خانواده‌های بی‌فرزند یا تک‌فرزند؛ حتی ابلاغ قانون جوانی جمعیت در سال‌های اخیر و تشویقات متنوعی که دولت برای ترغیب به فرزندآوری در نظر گرفته، نتوانسته است این باور را تغییر بدهد که لزوماً فرزند کمتر به معنای زندگی بهتر نیست. شرایط سخت اقتصادی و فرهنگی، استدلال مصطلح و مشترک بین آن‌هاست که تصمیم می‌گیرند امکانات موجودشان را بین تعداد کمتری از افراد خانواده تقسیم‌کنند. برخی هایشان حتی به داشتن زندگی دوفره قانع می‌شوند؛ یعنی ادامه یک عمر زندگی زیر یک سقف آن هم بدون داشتن فرزند. در این میان اگر به قول خودشان ناخواسته بارداری‌ای رخ بدهد، سعی می‌کنند با سقط جنین، مانع از ادامه آن مسیر شوند. باور فلسفی عجیبی دارند و راضی نیستند فرد دیگری را شریک رنج‌های این دنیا کنند.

۳۵۰ تا ۵۳۰هزار سقط در هر سال

زمینه وجود دارد و فعالان حوزه نفس در این راستا فعال هستند.

- اقتاع سازی در بزنگاه‌ها

دبیر قرارگاه طرح نفس، توضیحاتش را این‌طور ادامه می‌دهد: سقط جنین موضوعی نیست که وزارت بهداشت به تنهایی با آن مقابله کند؛ بیشتر سقط‌ها در محیط‌های درمانی رخ نمی‌دهد و دسترسی به مادرانی که برای این کار تصمیم گرفته‌اند، وجود ندارد اما بعد از اینکه عوارض رخ می‌دهد، بیمار را به بیمارستان می‌آورند. این خانواده‌ها نیازهای زیادی دارند. اما تمرکز «نفس» بر فعالیت‌های روان‌شناختی و روان‌شناسانه است.

او می‌افزاید: نفس‌هایی که هر لحظه و ثانیه در وجود مادر دمیده می‌شود، مقدس است؛ به همین خاطر سعی کردیم بزنگاه‌هایی را که ختم به این اقدام می‌شوند، به والدین نشان دهیم؛ با آن‌ها حرف بزینم، مشورتشان بدهیم و به نتیجه برسائیمشان که این هدیه ارزشمندتر از آن است که آن‌ را رد کنیم؛ البته ما کار قضایی نمی‌کنیم؛ کار نفس، فرهنگ سازی و شیوه ما کاملاً اقناعی است. به‌گروه‌های شناسایی‌شده، بعد عاطفی و مادرانه آن‌ها را یادآوری می‌کنیم؛ اینکه پدر و مادر بودن به معنای احساس مالکیت نیست، به آن‌ها می‌گوییم چینی‌که در بطن شماست، بایک انسان عادی فرقی نمی‌کند و حیاتش شبیه دیگران است و از بین بردن او قتل به حساب می‌آید. در مواقعی هم‌که لازم باشد، اقدامات حمایتی از والدین انجام می‌شود و سعی می‌کنیم خیال آن‌ها را از خیلی از دغدغه‌ها راحت کنیم. بسته معیشتی برایشان جفت و جور می‌کنیم. اگر دختر و پسر در دوران عقد هستند، شرایط ازدواج و زندگی مشترکشان را فراهم می‌کنیم و سیسمونی و... برایشان مهیا می‌شود و خلاصه کاری می‌کنیم که لیخندکودک، غافلگیرشان کند.

- نیاز به فرهنگ‌سازی

دبیر قرارگاه طرح نفس هراگرایی تأکید می‌کند که این‌کار نیاز به فرهنگ سازی دارد و می‌گوید: فرهنگ‌سازی در همه سطوح و بین همه‌گروه‌ها لازم است و فعالیت‌های نفس بر همین محور متمرکز شده است؛ اولاًشناسایی خانواده‌های هدف از طریق مراکز بهداشتی، پزشک متخصص زنان، ماماها و بهورزها و صحبت‌کردن و مشاوره دادن به آن‌ها، تولید محتوا در فضای مجازی و... یادآوری کردن این موضوع که هیچ انسانی هدیه رایس نمی‌زند و هدیه خدا که روح دارد، از بین بردنش جرم است. شاید هنوز هم خیلی‌ها ندانند کهکودکان زیادی در این شهر زندگی خود را مدیون کسانی هستند که بی‌منت و مزد در پویش مردمی برای نجات جان جنین‌های ناخواسته تلاش می‌کنند.

شاید باورش مشکل باشد اما راه‌اندازی پویشی به نام «نفس» در سال‌های اخیر توانسته است پیش از ۲ هزار تولد را در استان رقم بزند؛ یعنی ۲ هزار نوزادی متولد شده‌اند که پدر و مادرشان تصمیم گرفته بودند مانع به دنیا آمدن وزندگی آن‌ها شوند. طرح مردمی «نفس» که محصول تدبیر افراد دغدغه‌مند و در عین حال متخصص در حوزه‌های روان‌شناسی، زنان و زایمان است، سال ۱۴۰۰ در مشهد کلید خورد و به سرعت راه و مسیر خود را در دیگر شهرها پیدا کرد و توانست خیلی از خانواده‌ها را به مراکزی متصل کند که افراد فعال در آن مراکز، دیدگاه و باورشان را درباره یک مسئله تغییر دادند؛ کسانی که نگذاشتند نوزادان، از حق حیات محروم شوند و از آغوش مادر جا بمانند. آن‌نوزادان حالا دنیای پدر و مادرشان را تغییر داده‌اند. قند ته دلشان آب می‌شود و وقتی به چشم‌های نورسیده‌شان لیخند می‌زند و حظش را می‌برند.

کرارش روز



معمومه فرمانی کیا

داده‌های چندخطی

برخلاف باور عامه که دلایل اقتصادی را علت‌گیر برخی خانواده‌ها از فرزند دار شدن می‌دانند، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نخواستن فرزند بیشتر، تحت تأثیر عوامل مختلف است. بارداری در دوران عقد، از دلایلی است که خانواده‌های جوان به دنبال سقط جنین هستند، آن‌هم باتکیه بر این باور جاهلانه خانواده‌ها که فرزند را به رسمیت می‌شناسند که بعد از برگزاری مراسم عروسی متولد شود. بارداری در سنین کم و زیاد، از دیگر علت‌هایی است که برخی‌ها را به سمت سقط جنین می‌کشاند. این موضوع که نوعروسی هفده و هجده ساله و بلافاصله بعد از تشکیل زندگی بخواهد بچه دار شود یا بالعکس، خامی با سن بیشتر از چهل سال در کنار داشتن فرزندان دیگر، بخواهد دوباره لذت مادر شدن را بچشد، هنوز هم تابو به حساب می‌آید.

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

۱۰۰۰ جنین روزانه در کشور سقط می‌شوند

تارهایی

«علی»؛ چشم انتظار معجزه دوباره

حکم اعدام ۴۵روز به تأخیر افتاد تا خون بهای ۲۵میلیارد تومانی را جفت وجور کند

معصومه فرمانی‌کیا | سه سال است وحشت آمدن روزی را دارد که او را به اتاق قرنطینه پیش از اعدام، منتقل کنند. سه سال چشم انتظار مرگ بودن حتی به زبان هم ساده نیست؛ اینکه طنابی، رابطه‌تو را ناگهان با دنیا تمام‌کند. انگار آلزایمر گرفته است و هیچ چیز را به یاد نمی‌آورد؛ از روز حبس، به جرم قتل عمد تا تک‌تک روزهای دیگر حبس را. توی آن سلول چندمتری، دنیایش با دنیای آدم‌های عادی، زمین تا آسمان فرق می‌کند؛ اینکه هر روز منتظر اجرای حکم پایان زندگی باشی، از خود مرگ سخت‌تر است و این مجازات، برای کاری است که ناخودآگاه و از سر غفلت انجام داده است.

علی، کودکی سختی را پشت سر گذاشته است. مادرش یک تنه برای بزرگ شدن او کار کرد تا آب توی دل علی تکان نخورد. ازدواج و سروسامان گرفتن او خیالش را راحت کرد که پسرش از آب و گل درآمده است. «آیلین»، هدیه خدایه زندگی علی بود. عاشق دختر بود و روزی که آیلین متولد شد، از ته دل می‌خندید و هر روز کلی برای آینده‌اش رؤیابافی می‌کرد. اما یک اتفاق، ورق زندگی‌اورا برگرداند. ما ششم آذر امسال قصه زندگی علی و ماجرای حبس شدنش را در همین صفحه روایت کردیم و گفتیم که او با اصرار دوستش گرفتار شد؛ وقتی دوستش از علی خواست برای ترساندن کسی که با او خصومت شخصی داشت، همراهی‌اش کند و تفنگ ساچمه‌ای را به دست علی داد، علی نتوانست «نه» بگوید و همین همراهی هم، کار دستش داد. اصلاً نفهمید که چطور شد به جرم قتل به اعدام محکوم شد. بالاخره لحظه‌ای که نباید، آمد و اجرای حکم قصاص برای دوم بهمن ۱۴۰۳ قطعی شد. روایت را مادر علی برایمان تعریف می‌کند که به‌گفته خودش، هر لحظه با او تادم مرگ رفته و برگشته است: «خبر دادند خانواده مقتول، فرصت چهل و پنج‌روزه داده‌اند. گوشی تو دستم می‌لرزید وقتی به علی گفتیم ترس پسرم؛ خدا با ماست».

می‌گوید علی فکر می‌کرد او را از قرنطینه بیرون آورده‌اند تا برای اجرای حکم ببرند و باورش نمی‌شد یک بار دیگر طلوع خورشید را ببیند، روی ماه آیلین را... گفت وگویی با مادر علی با مکت‌های پشت سرهم همراه است و صدای حق‌هق گریه که قطع نمی‌شود وقتی تعریف می‌کند؛ اجرای حکم که قطعی و اعلام شد، آخرین ملاقات ما به دوشنبه شب افتاد. این حرف می‌داند یعنی چه؟ چند روز است هرکاری از دستمان برمی‌آمده، انجام داده‌ایم.

مادر علی خیلی کوتاه، ماجرای شب اجرای حکم را تعریف می‌کند: «کار تمام شده بود. قرار بود علی بامداد صبح سه‌شنبه قصاص شود. اما خدام پارگاه امام هشتم^(ع) با پرچم حرم، پشت در زندان ماندند و تلاش کردند رضایت خانواده مقتول را بگیرند. آیلین که بهانه‌بابا را می‌گرفت، دلم را آتش می‌زد و نمی‌دانستم چطور می‌شود یک دختر بچه چهار پنج‌ساله را آرام کرد. همه اطرافیان جمع شده بودند؛ همسرش، خانواده‌ما، خدام حرم امام رضا^(ع) و بعضی از آن‌هایی که برای جفت وجور کردن خون بها تلاش کرده بودند. اما رقم ۲۵میلیارد تومان خیلی زیاد بود و آماده‌کردنش از توان ما خارج».

می‌گوید: خدا می‌داند به دل من و پسرم چگ‌شد! الهی هیچ مادری این روزها را نبیند خانم... ساعت ۳ بامداد امان دادند که فرزندم قصاص نشود؛ خدا را هزار مرتبه شکر... ممنونم از همه...

مادر علی از خوشحالی گریه می‌کند، درحالی‌که می‌داند حکم قصاص لغو نشده و دیه از ۲۵میلیارد به ۲۵میلیارد تومان رسیده است، آن‌هم با مهلت چهل و پنج‌روزه. حرف دیگری نیست. اگر خبری از دنیا و آخرت می‌خواهید، آستین بالا بزنید و یاعلی بگویید. جای دوری نمی‌رود؛ یقین کنید. شماره‌کارت ۰۴۷۹۲۱۰۵۸۵۲۹۱۰۶۳۷ به نام علی افروغ‌نیا. شماره شب‌ا: IR92017000000233986184001

دیدگاه

گنج الهی و ۶آدرس اشتباهی انسان!

بی‌آدرس، کسی به مقصد نمی‌رسد. با نشانی باید به دنبال صاحب نشان گشت. این واقعیت روی زمین را در زیر زمین هم می‌شود مثل خوانی کرد؛ اگر معدن‌کاران، مسیر رگه‌ها را برعکس طی کنند، هرگز به جان‌مایه معدن نخواهند رسید. به دنبال هر چیزه باید رفت تا به اصل آن رسید. خطر رگه را باید گرفت تا طلا در دید و دست قرار گیرد. نمی‌شود خلاف جهت رفت و به مقصد رسید. هزار همت و تلاش هم که درکار باشد، آدمی را به هدف نمی‌رساند، پس باید هدف را تعیین و مسیر درست را انتخاب کرد و گام‌ها را به آن‌سو استحکام و

شتاب بخشید. این واقعیت به تجربه درآمده را با تأکید ی جنین، حروف نگاری کردم تا باهم حدیث قدسی بخوانیم که -ان شاء...- قداست کلام الهی ما را هوشیاری مضاعف بخشد؛ «شش چیز را در شش محل پنهان کرده‌ام، ولی مردم در جای دیگر به دنبال آن می‌گردند و هرگز آن‌ها را در آنجا نخواهند یافت». معلوم است که با جای دیگری، چیزی یافت نخواهد شد؛ چون نیست. «اولین آن‌ها، را حتی [مطلق] را در بهشت قرار دادم، ولی مردم در دنیا دنبال آن می‌گردند»، حکایت همان است که مولوی در دیوان شمس می‌سراید: «گفتند یافت می‌نشود چسته‌ایم ما». جوابی که ما با زبان بی‌زبانی یا حتی به زبان زبان‌داری می‌گوییم، این است: «گفت: آنچه یافت می‌نشود، آنم آرزوست!». معلوم است که آرزوی محال خواهد بود. یادمان رفته است انگار آنچه خداوند حکیم در آیه ۴ سوره بلد می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبٍ؛ همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم». مادر رنجی آفریده شده‌ایم که بسان کوره باید ما را بسازد. سنگ وجود ماست و تیشه پیکرتراش این جهان تا تندبسی پرشکوه بسازد. معلوم است که زیر ضربات تیشه نمی‌توان به راحتی مطلق رسید. اینجا باید خود را ساخت. نواختن به راحتی را در بهشت باید جست، آن‌هم البته یافتنی است با اعمال درست، نه یافتنی بر حسب اتفاق. درباره گنج دوم هم همین قاعده صدق می‌کند: «من دانش [و فراگیری آن] را در گرسنگی و تلاش قرار دادم، ولی مردم در سیر بودن، دنبال آن می‌گردند». پس بدان دست نخواهند یافت. تجربه بشری که قاتل کشیدن دانشمندان بزرگ را از سفره نداری و کوشندگی، گواهی می‌کند. خود هم دیده‌ایم فراوان برخوردارانی را که ذیل «پسران ناقص عقل وزیر» تعریف می‌شوند که باید برای شبانی به روستا بروند تا زمینه برای وزارت «روستادانگان دانشمند» فراهم شود. در ادامه این حدیث قدسی می‌خوانیم: «من عزت را در شب بیداری (و نماز شب) قرار دادم، ولی مردم عزت را در خانه شاهان است که هرگز به آن نرسند». این هم طرفه حکایتی است که دست‌ها را کوتاه می‌کند. هیچ قدرتی عزت نمی‌آورد. «تعز من تشاء و نزل من تشاء» حقیقتِ توأم با واقعیت را نشان داده است. چهارمین گم‌شده آدمی، بزرگی است اما با زهم راه را اشتباه می‌رود؛ «من بلند مرتبگی و مقام را در فروتنی قرار دادم، ولی مردم در تکبر، دنبال آن می‌گردند». اما کجا دیده‌ایم کسی از بی‌راهه شیطانی تکبر، به مقصد متعالی بلندمرتبی برسد؟ ابلیس رجیم شد؛ چون تکبر ورزید، پس هیچ متکبری به خواسته بزرگی نخواهد رسید، حتی اگر دنیا را در اختیار داشته باشد. دیگر گم‌شده، استجاب است که با زهم دست‌هایی که با زبان پشتیبانی می‌شوند، خالی برمی‌گردند؛ «اجابت دعا را در لقمه حلال قرار دادم، ولی مردم در قیل و قال، دنبال اجابت دعا می‌گردند». باید گفت که اندرون از لقمه‌های شبهه‌ناک خالی دار تا نور معرفت و اجابت را توأمان تجربه کنی. در قیل و قال اما حال و احوال به زلزله ی‌چار می‌شود و کدام زلزله را می‌شود یافت که آبادانی به دنبال داشته باشد؟ آخرین مورد هم «من بی‌نیازی را در قناعت قرار دادم، ولی مردم آن را در زیادی مال و ثروت جست‌وجو می‌کنند». و معلوم و بر حساب و کتاب است که هرگز به آن نرسند. اگر می‌خواهیم به این شش‌گانه حیات بخش برسیم، در جای درست دنبال آن باشیم. آدرس‌هایی را که خداوند حکیم و خبیر به لطف خویش عیان کرده است، در دست بگیریم و بایه‌راه شویم. سعادت را در این طریق، چراغ خود را روشن کرده است.

شهر

شنبه ۴ بهمن ۱۴۰۳
۲۱ رجب ۱۴۴۴
شماره ۱۳۱۵

۱۳



SHAHRA NEWS.IR

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر

شهر